



احکام وصیت و وقف در فقه اسلامی

تالیف :

دکتر وهبة الزحيلي

مترجم : خالد ایوبی نیا



سرشناسه: زحیلی، وهبة ۱۹۳۲ م Zuhlati Wahbat

عنوان قرارداد: الوصایا والوقف فی الفقه الاسلامی، فارسی

عنوان و نام پدید آور: احکام وصیت ووقف در فقه اسلامی / تألیف: وهبة الزحیلی

مترجم: خالد ابوبی نیا

مشخصات نشر: ارومیه- حسینی اصل ۱۳۹۰ مشخصات ظاهری: ۲۵۵ص

شابک: ۹-۰۰۴-۲۴۹-۶۰۰-۹۷۸ یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

موضوع: وصیت ووقف (در فقه اسلامی)

وضعیت فهرست نویسی: فیا

رده بندی کنگره: /۱۳۹۰ ۶۰۴۱ و ۳/۷ / BP۱۹۲

رده بندی دبیری: ۲۹۷/۳۷۲ شماره کتابشناسه ملی: ۲۴۶۹۳۰۴



ارومیه - خیابان شهید منتظری - تلفن ۰۴۴۱-۲۳۵۲۴۰۳

نام کتاب: احکام وصیت ووقف در فقه اسلامی

تألیف: دکتر وهبة الزحیلی

مترجم: خالد ابوبی نیا

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ: اول - ۱۳۹۰

ناشر: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل

شابک: ۹-۰۰۴-۲۴۹-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

بخش اول وصیت

۱۱	مقدمه مترجم
۱۲	مقدمه مؤلف
۱۷	فصل اول: وصیت
۱۷	مقدمه، تاریخ وصیت
۱۸	مبحث اول
۱۸	معنی و انواع وصیت
۲۰	مشروعیت وصیت
۲۱	حکمت وصیت
۲۴	ارکان وصیت
۲۶	کیفیت انعقاد وصیت
۲۹	آیا در قبول فوریت شرط است؟
۳۰	تقسیم شدن رد و رد کردن بعضی
۳۰	پشیمانی از رد یا قبول
۳۲	چه کسی مالک قبول یا رد است؟
۳۲	مرگ موصی نه قبل از قبول یا رد وصیت
۳۳	زمان ثبوت مال وصیت شده برای موصی له
۳۵	معلق کردن وصیت به شرطی از شروط
	مبحث دوم: شروط وصیت

مطلب اول: شروط موصی ۳۶

- ۳۹ مطلب دوم: شروط موصی له
- ۴۰ وصیت برای کسی یا چیزی که وجود خارجی نداشته باشد
- ۴۱ وصیت برای حمل
- ۴۱ وصیت برای مجهول
- ۴۴ وصیت برای چهارپا
- ۴۷ وصیت برای قاتل
- ۴۹ وصیت برای اهل جنگ
- ۵۱ وصیت‌های غیر مسلمانان؛ اهل ذمه
- ۵۲ شرط نفوذ وصیت در موصی له
- ۵۲ وصیت برای وارث
- ۵۳ برای صحت اجازه دو شرط در نظر گرفته می‌شود
- ۵۳ وارثی که اجازه می‌دهد چه کسی است؟
- ۵۴ کسانی که قائل به مشروعیت وصیت برای وارث هستند
- ۵۴ کسانی که مطلقاً وصیت برای وارث را منع می‌کنند

مطلب سوم موصی به

- ۵۵ شروط موصی به
- ۶۲ آنچه در موصی به جهت نافذ گردیدن آن شرط گرفته می‌شود:
- ۶۲ وصیت به بیشتر از یک سوم
- ۶۳ مستحب است صاحب دارایی کمتر از یک سوم دارایی‌اش را وصیت کند

مبحث سوم احکام وصیت

- ۶۴ مطلب اول - صفت شرعی وصیت و رجوع از آن
- ۶۵ رجوع از وصیت در قانون
- ۶۶ مطلب دوم: اثر جاری شونده بر وصیت
- ۶۷ مطلب سوم: احکام وصیت کننده
- ۶۷ وصیت بدهکار

- ۶۸ وصیت غیر مسلمان
۶۸ ۱. وصیت ذمی
۶۹ ۲. وصیت حربی
۷۰ ۳. وصیت مرتد

مطلب چهارم - احکام موصی‌له

- ۷۱ ۱. حکم وصیت برای موارد عام
۷۵ ۲. وصیت برای حمل
۷۶ شرایط صحت وصیت برای حمل از دیدگاه جمهور فقها غیر از مالکیه
۷۶ اطمینان از وجود حمل هنگام وصیت از دیدگاه علمای حنفیه به روش زیر است
۷۷ تعدد حمل
۷۸ ۳. وصیت برای معدوم
۷۹ احکام وصیت برای معدوم
۷۹ ۱) وصیت کردن اعیان برای معدوم در صورتی که شمار آن مشخص باشد
۸۰ ۲) وصیت کردن منفعت و بهره‌ی چیزی برای کسانی که معدوم بوده و قابل شمارش باشند
۸۰ ۳) وصیت کردن بهره و منفعت برای طبقات
۸۱ ۴) وصیت برای جماعتی که قابل شمارش باشند
۸۲ کیفیت تقسیم وصیت مشترک
۸۳ ۵) وصیت برای جماعت غیر محصور [غیر قابل شمارش]

مطلب پنجم - احکام موصی‌به

- ۹۰ ۱. وصیت کردن چیزی معین یا جزئی پراکنده و حکم هلاک شدن موصی‌به
۹۱ ۲. وصیت کردن شیء معدوم یا چیزی که نتوان آن را تسلیم نمود
۹۳ ۳. وصیت کردن شیء مجهول
۹۳ ۴. وصیت کردن منافع
۱۰۳ ۵. وصیت به تصرف در عین
۱۰۳ ۶. وصیت برای قرض دادن
۱۰۴ ۷. وصیت به حقوق
۱۰۵ ۸. وصیت به تقسیم ترکه

۹. وصیت به دادن حقوقی ماهیانه از ترکه ۱۰۶
۱۰. حکم افزودن بر موصی به ۱۰۸

مطلب ششم: مقدار وصیت

- ا. اگر موصی وارث داشته باشد ۱۰۹
- ب. اگر موصی وارث نداشته باشد ۱۰۹
- اجازه ورثه‌ها برای مازاد بر یک سوم ۱۱۰
- نخست: وقت اجازه ۱۱۱
- دوم: کسی که مالک اجازه و رد است ۱۱۱
- سوم: جهت دریافت ملک بعد از اجازه ۱۱۱
- وقت اندازه گیری یک سوم ۱۱۲
- مطلب هفتم: وصیت برای وارث** ۱۱۳
- مطلب هشتم: وصیت به مانند سهم یک وارث** ۱۱۳
- حالت اول: وصیت به مثل سهم وارث معین ۱۱۵
- حالت دوم - وصیت به مانند سهم وارثی غیر معین باشد ۱۱۵
- حالت سوم: وصیت به مانند سهم وارثی معدوم ۱۱۵
- حالت چهارم: وصیت به مانند سهم یکی از ورثه‌ها ۱۱۶
- مطلب نهم: وصیت به جزءها** ۱۱۷
- مطلب دهم: تنفیذ وصیت** ۱۱۷
- نخست: در ترکه بدهی بر شخص اجنبی، یا بخشی از ترکه غایب باشد ۱۱۷
- دوم: در ترکه بدهی بر یکی از ورثه‌ها باشد ۱۱۹
- مبحث چهارم: مبطلات وصیت** ۱۲۱
۱. از بین رفتن اهلیت موصی بر اثر دیوانگی فراگیر و بیماری‌های دیگری مشابه آن ۱۲۱
۲. ارتداد وصیت کننده ۱۲۲
۳. معلق کردن وصیت بر شرطی که حاصل نشود ۱۲۲
۴. رجوع از وصیت ۱۲۲
۵. رد کردن وصیت ۱۲۴

۶. مرگ موصی له معین قبل از مرگ موصی ۱۲۴
۷. موصی له موصی را به قتل برساند ۱۲۵
۸. هلاک شدن موصی به معین یا استحقاق آن برای دیگری ۱۲۵
۹. وصیت برای وارث باطل است ۱۲۵

مبحث پنجم: ازدحام وصیت‌ها

- قاعده تراحم در وصیت‌ها بین بندگان ۱۲۷
- ازدحام وصیت‌ها در حقوق خداوند ۱۲۸
- ازدحام بین وصیت که بعضی حق الله و بعضی حق الناس باشند ۱۲۸
- مبحث ششم: وصیتی که قانوناً واجب است ۱۳۰
- مستند فقهی برای وصیت واجب و مجوز آن ۱۳۰
- مقدار وصیت واجب ۱۳۲
- روش استخراج وصیت واجب ۱۳۳
- مبحث هفتم: اثبات وصیت ۱۳۵

- فصل دوم: حکم تبرعات بیماری که در بستر بیماری مرگ است ۱۳۸
- آیا تبرعات بیماری که در بستر بیماری مرگ است در حکم وصیت می‌باشد؟ ۱۳۸
- بخششهای قطعی ۱۳۹
- اما تبرعات و بخشش‌هایی که مربوط به بعد از مرگ باشد ۱۳۹

فصل سوم: کفالت و سرپرستی

- مبحث دوم: ارکان کفالت ۱۴۲
۱. موصی [وصیت کننده] ۱۴۲
۲. وصی [کفیل] ۱۴۳
۳. موصی فیه ۱۴۷
۴. صیغه ۱۴۷

مبحث سوم: احکام تصرفات کفیل

۱. خرید و فروش ۱۴۹
۲. وکیل گرفتن یا وصیت کردن برای دیگری ۱۴۹
۳. ۱۵۲

۴. تعیین سهم موصی له ۱۵۳
۵. اقرار کفیل به بدهی بر میت، و آیا کفیل شایسته‌ی ولایت و سرپرستی است یا پدربزرگ؟ ۱۵۴
۶. دفع مال به افراد محجور و راهنمایی کردن محجور ۱۵۵
۷. شهادت کفیل‌ها ۱۵۶
۸. رجوع کفیل به مال یتیم ۱۵۷
۹. اصلاح اختلاف بین کفیل و موصی علیه ۱۵۷
۱۰. پاداش کفیل و بهره برداری او از مال موصی علیه ۱۵۸
۱۱. عزل کفیل ۱۵۹
۱۲. اتفاق در حالت ضرورت ۱۵۹

بخش دوم وقف

این بخش دارای ده فصل می‌باشد:

فصل اول

- تعریف وقف ۱۶۲
- مشروعیت وقف ۱۶۶
- صفت وقف ۱۶۷
- رکن وقف ۱۶۹

فصل دوم

- انواع وقف ۱۷۲
- محل وقف ۱۷۲

فصل سوم

- حکم وقف ۱۷۹
- زمان پایان ملکیت وقف کننده ۱۸۰

فصل چهارم

- شروط وقف ۱۸۵
- مبحث اول: شروط واقف ۱۸۵
- وقف بیمار در بیماری مرگ ۱۸۷

۱۸۷	وقف شخص مرتد
۱۸۸	وقف شخص کافر
۱۸۸	وقف شخص مکره
۱۸۸	وقف شخص نابینا
۱۸۸	وقف چیزی که رؤیت نشود
۱۸۸	شرط واقف همانند نص شارع می‌باشد
۱۹۴	مبحث دوم: شروط موقوف
۱۹۹	مبحث سوم: شروط موقوف علیه:
۱۹۹	شرط وقف بر معین
۲۰۴	شرط جهت موقوف علیه
۲۰۵	وقف بر ثروتمندان
۲۱۰	مبحث: چهارم: الفاظ وقف و شروط صیغه‌ی آن
۲۱۰	صیغه وقف
۲۱۱	ثبوت وقف به ضرورت
۲۱۵	شروط صیغه وقف
۲۱۵	شرط اول: تأیید
۲۱۵	شرط دوم: تنجیز
۲۱۸	شرط سوم: الزام است
۲۱۸	شرط چهارم: عدم اقتران آن با شرطی باطل
۲۱۸	شرط باطل
۲۱۸	شرط فاسد
۲۱۹	شرط صحیح
۲۱۹	شرط پنجم از دیدگاه شافعی: بیان مصرف وقف
۲۲۰	مقتضای الفاظی که بر موقوف علیه دلالت می‌کند
۲۲۰	ولد یا اولاد
۲۲۱	ذریه، نسل و (عقب) پشت
۲۲۱	آل، جنس و اهل بیت، قرابت

۲۲۲	هـ مراحل انسان
۲۲۳	و. فی سبیل الله و امثال آن
۲۲۳	وقف دائم از نظر اتصال و انقطاع
	فصل پنجم
۲۲۵	اثبات وقف از نظر شرع و قانون
۲۲۶	فصل ششم: مبطلات وقف
۲۲۸	فصل هفتم: نفقات وقف
۲۳۱	فصل هشتم: تبدیل کردن و فروختن وقف در حالت خرابی
۲۴۰	فصل نهم: وقف در حالت بیماری مرگ
۲۴۳	فصل دهم: ناظر بر وقف
۲۴۳	نخست: تعیین ناظر
۲۴۴	دوم: شروط ناظر
۲۴۵	سوم: وظیفه‌ی ناظر
۲۴۵	اجاره‌ی طولانی مدت
۲۴۹	چهارم: عزل ناظر
۲۴۹	انجام ندادن وظایف
۲۵۲	خلاصه

مقدمه مترجم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شُرُوْرِ اَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ اَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِيْهِ اللّٰهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يُّضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ مَرْشِدًا.

علم فقه یکی از بزرگترین علوم است، زیرا علمی است که صحت عبادت وابسته به آن می‌باشد. و مردم در هر زمان و مکانی به آن نیاز دارند و به دلیل این که هدف از آفرینش انسان عبادت و بندگی خداوند است و قبولی عبادت مشروط به اخلاص و مطابقت با سنت پیامبر ﷺ می‌باشد، لذا ما باید هر عبادتی را مطابق سنت آن پیامبر بزرگوار انجام دهیم. کتاب حاضر شامل دو مبحث مهم در فقه اسلامی - مبحث وصیت و وقف - می‌باشد که توسط استاد دکتر وهبة الزحیلی به رشته‌ی تحریر در آمده است، با پیشنهاد انتشارات حسینی اصل آن را ترجمه نمود. امید است مسلمانان از آن بهره‌مند شوند. این کتاب به دلیل فقهی بودن اصطلاحات فقهی فراوانی در آن وجود دارد که به علت طولانی شدن ترجمه‌ی فارسی آن بعد از یک بار ترجمه‌ی توضیحی در دفعات بعد به صورت همان اصطلاح عربی نوشته شده است. از جمله: موصی: وصیت کننده، موصی له: کسی که برای او وصیت می‌شود، موصی به: چیزی که وصیت می‌شود، واقف: وقف کننده، موقوف: وقف شده، موقوف له: کسی که برایش وقف می‌گردد. این اصطلاحات بیشتر به صورت عربی ذکر شده‌اند و اصطلاحاتی دیگری نیز وجود دارد که بیشتر فقهی می‌باشند و کسانی که با مطالعه‌ی فقه سرو کار دارند در مطالعه‌ی آن مشکلی نخواهند داشت. امید است این ترجمه مورد قبولی پروردگار جهانیان قرار گیرد و خوانندگان فارسی‌زبان از آن بهره‌مند گردند.

ارومیه ۱۳۹۰/۵/۲۳

خالد ایوبی‌نیا

مقدمه نویسنده

الحمد لله العزيز الحكيم، والصلاة والسلام على النبي المختار نبي الرحمة المهداة،
وأنه بالمؤمنين رؤوف رحيم، وعلى آله وصحبه الغر الميامين، والتابعين لهم بإحسان إلى
يوم الدين و بعد. به مناسبت چاپ دوم این اثر مقدمه‌ای لازم است که ارایه گردد:

بدون شک اسلام آن دین حنیف بزرگوار دارای حکمت و رحمت می‌باشد، از جمله
حکمت‌های اسلام می‌توان به تعهد کامل آن به اصلاح و تهذیب اخلاق انسان و اهمیت پایدار به
تربیت مسلمان به گونه‌ای که همه امور زندگی او را در بر گرفته باشد، اشاره کرد تا این که انسان را
واقعاً سرمشق و الگویی نیک برای انسانیت قرار دهد و نمونه انسانی جذاب باشد که شرع، ادب و
فضیلت اسلام را به جامعه ارائه نماید. و از جمله ادب و رحمت فراگیر اسلام متوجه نمودن انسان
به سوی زندگی بهتر، آینده‌ای راحت‌تر و پی‌دغدغه و ذخیره کردن پاداش عمل صالحی که خداوند
عز و جل را راضی نماید می‌باشد.

قاعده و اساس پاداش به این خاطر است که انسان اعمال نیک را بیشتر انجام دهد و بیشتر
سخاوت و بخشندگی از خود نشان داده و بیشتر به خوبی و معروف و بخشش و انتشار فضیلت و
بزرگواری اقدام نماید، و بیشتر به جوانب اجتماعی و انسانی دارای سلیبات و بخشش‌ها و
روزنه‌های بسیار و سخت و دارای لغزش اهمیت دهد.

راه خیر در دید عام و نگاهی تیزبینانه نه عجولانه و موقت این است که صدقه و کار نیک و
احسان طوری باشد که بعد از مرگ انسان نیز برایش سود داشته باشد، تا اینکه پیوسته از انجام
دهنده‌ی آن به نیکی سخن گفته شود و از زبان کسانی که مورد رحم و احسان او قرار گرفته‌اند،
درخواست رحمت و مغفرت خداوند شود، کسانی که مکیدن آب آنان را نجات می‌بخشد، و
سیراب کردن تشنگی آنان را زنده می‌نماید، و یک لقمه زندگی آنان را نجات می‌بخشد، و بدن آنان
را با لباسی گرم یا لباسی که آنان را از گرما و سرما نجات دهد، بپوشاند، و بیماری‌های طاری و
مزمین آنان را با لمس انسانی مهربان معالجه می‌کند، و علایجی که آنان را به صحت و عافیت بر
می‌گرداند، زیرا به هیچ انسانی بعد از ایمان نعمتی برتر از عافیت بخشیده نشده است و آموزش
آنان بعد از جهل و نادانی، و راهنما شدن آنان بعد از گمراهی، و پرچم محبت و دوستی و آرامش
را بین ذوی الارحام انتشار دهد.

همانا این کمک‌ها جهت نجات یافتن مستضعفین از بیماری، فقر، گرسنگی و جهل می‌باشد،
کسانی که در چشمه آبی که آب جاری آن فرو رفته، در معرض سرنگوگی قرار گرفته‌اند، که در

تاریخ گذشته خیر فراوانی را در میان جامعه اسلامی محقق گردانیده است از جمله وقف درمانگاه‌ها، بخشش‌ها، مدارس، کتاب‌ها و از راه وصیت‌های نیکوکاران و وقف‌های اهل نیکی و تقوی. و این به خاطر پذیرفتن تشویق‌های اسلام بر آن در قرآن و سنت می‌باشد. ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (این که به هنگام نسا، چهره هایشان را به جانب مشرق و مغرب کند، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر، نیکی بشمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کلی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود علاقه‌ای که بدان دارد (و یا به سبب دوست داشت خدا، و یا با طیب خاطر) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و وامندگان در راه و گدایان دهد، و در راه آزادسازی بردگان صرف کند، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و (نیکی کردار کسانی است که) وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بدهند، و (به ویژه کسانی نکنند) شایسته ستایشند که) در برابر فقر (و محرومیتها) و بیماری (و زیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیبایند (و استقامت می‌ورزند). اینان کسانی هستند که راست می‌گویند (در ادعای ایمان راستین و یجونی اعمال نیک) و به راستی پرهیزکاران (از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امتثال اوامر الهی) اینانند.)) (بقره: ۱۷۷).

و در حدیثی که احمد و اصحاب کتاب سه از ابن عمر روایت کرده‌اند چنین آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: ((مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بَيْتِ لَيْلَتَيْنِ، وَلَهُ شَيْءٌ يُرِيدُ أَنْ يُوصِيَ فِيهِ إِلَّا وَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَ رَأْسِهِ))؛ شایسته نیست مسلمانی دو شب پشت سر هم بخوابد در حالی که چیزی داشته باشد که بخواهد در آن وصیت کند مگر این که وصیتش مکتوب باشد. و راویان دیگر به جز بخاری و ابن ماجه از ابوهریره روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: ((إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يَنْتَفَعُ بِهِ، دَوْلٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ))؛ هنگامی که انسانی بمیرد، اعمال او منقطع می‌گردد جز این که صدقه جاریه‌ای داده باشد، یا علمی که اثر آن بعد از او مانده باشد، یا فرزند صالحی که برای او دعای خیر نماید. علما گفته‌اند: معنی حدیث این است که عمل انسان با مرگ او منقطع می‌گردد و افزوده شدن بر پاداش‌های او نیز گرفته می‌شود جز این سه طریق، زیرا او کسب کننده این سه چیز بوده است؛ زیرا فرزند انسان از کسب اوست، هم چنین علمی که بعد از خود بر جای می‌گذارد مانند تألیف و تعلیم، و نیز صدقه جاریه که عبارت است از وقف، و در این حدیث ارشاد به فضیلت صدقه جاریه و علمی که بعد از مرگ صاحبش آثار آن می‌ماند و ازدواجی که سبب پیدا شدن فرزندان صالح بوده، می‌باشد.

لیکن وصایا و اوقاف هم چون همه احکام اسلامی دارای نظامی دقیق استوار بر حق و عدل و رحمت و انتشار خیر با اصولی که هیچ گونه انتقاد و اعتراض بر آن وارد نباشد، است و این به خاطر تحقق بخشیدن به دو مصلحت است: مصلحت خاص و مصلحت عام، این نظام‌ها جز از راه فقه قابل فهم نیستند. نظام زندگی اسلامی - چنان که در این کتاب روشن می‌گردد - جامع‌ترین تألیف در این زمینه با اسلوب عصری روشن می‌باشد. خداوند توفیق دهنده به خیر و رشاد است.

مؤلف: أ - د - وهبة الزحیلی